

چشمه و سنگ

بخوان و حفظ کن



- ① چشمه ای از کوهستان جدا شد و در راه ناله‌ها را به سنگی بر خورد کرد.
- ② با آرای به سنگ مصمم و سخت گفت: ای نیک بخت، لطف کن و راهی برای عبور به من بده.
- ③ سنگ بزرگ و بد دل و محکم لب سپین به چشمه زد و گفت: از من دور شو.
- ④ من با آمدن سبیل پر زور از جایم تکان نخوردم حالا تو کیستی که بخاطر تو تکان بخورم.
- ⑤ چشمه از پاسخ سنگ نا امید نشد و به لنگه ن مسفل شد و یافتاری کرد.
- ⑥ سنگ سخت را بسیار لنگه تا آنجایی راهی پیدا نکرد.
- ⑦ برای هدف طارن و همسایه امیدوار باش که از ناامیدی چیزی جز کمک به دست نمی آید.
- ⑧ اگر در کارها پایداری و یافتاری مانده تمام کارهای دشوار برای تو آسان می شود.

- کوهستان مفت راه مصحف ناتوان
- ۱ جدا شد یکی چشمه از کوهسار
به راه گشت، ناله به سنگی دچار
- ۲ با آرای چنین گفت با سنگ سخت:
لطف کن بد راه خراب
معلم
- ۳ گران سنگ تیره دل سخت سر
سب بد راه به دل معلم
- ۴ بجان خودم از سبیل زور آزمایی
تجربیدم از سبیل قدرتمند
- ۵ نشد چشمه از پاسخ سنگ، سرد
سپردن = نایب از نایب شدن
- ۶ بسی کند و (کاوید و کوشش) نمود
مصحف بسیار تداش کرد
- ۷ برد کارگر باش و امیدوار
طابن
- ۸ گزت پایداری است در کارها
په دست سنی به
- مصحف از جلوی مصحف از
که ای تو، که پیش تو خیم ز جای؟
بافتاری و اصرار کرد
به گندن (در استاد و ابرام کرد)
مصحف به از سفت راهی به آمد
کز آن سنگ خارا، راهی بر کشود...
- که از یاس، جز مرگ، ناید به بار
آسان
- شود سهل، پیش تو دشوارها

محمدتقی بهار (ملک الشعراء)

خوانش و فهم

- ۱ در متن شعر، «چشمه» و «سنگ» با چه ویژگی‌هایی توصیف شده‌اند؟
- ۲ خوانش بیت دوم و چهارم چه تفاوتی با هم دارد؟ چرا؟